

اعوجاج در فهم حاشیه نشینی

چگونه نگاه کاریکاتوری به حاشیه نشینی، تحلیل دقیق این پدیده را دشوار می کند

عباس رضایی تمرین

روزنامه نگار



در میان مردم و چه در میان مسئولانی که باید معضل حاشیه نشینی را چاره کنند- همین قدر دور از واقعیت است. به عنوان کسی که از خردسالی تا زمان دانشجویی را در سلطان آباد جاده ساوه و پس از آن نیز سال هادر محله عباسی در جنوب شهر تهران زندگی کرده ام- و هیچ کس از دوستان و نزدیکانم معتاد و قاتل و مواد فروش و آشپز خانه دار نشده اند- معتقدم، درک و تجربه حاشیه نشینان از سکونت در محل زندگی شان، با درکی که دیگران اعم از سینماگران، محققان، سیاستگذاران و عامه مردم، از این تجربه دارند تفاوت زیادی دارد. این البته به معنای مثبت بودن پدیده حاشیه نشینی از نگاه حاشیه نشینان نیست، آنها بی تردید مشکلات و دغدغه های عدیده ای دارند اما منطقی ترین راه برای فهم دقیق این مشکلات، بررسی ذهنیت و نگاه خود آنهاست. از همین رو تلاشی می کنم در این یادداشت در چند مضمون برگرفته از تجربه زیسته خودم، روی آنچه در حاشیه شهرهای گذر دز به بین بیندازم و نگاه نزدیک تری را به دست دهم.

■ آینده به مثابه کابوس

خیلی از حاشیه نشین ها پایین تر از سطح استاندارد زندگی می کنند؛ این تقریباً در باره تمام پارامترهای زندگی، از قبیل معیشت، سلامت، بهداشت، آموزش، امکانات رفاهی و سرگرمی، زیر ساخت های شهری و... صادق است. با وجود این، آنچه آنها را حتی بیش از تمام این محرومیت های آزار دهنده، پیش بینی ناپذیری آینده است. خیلی از آنها به مشاغل بی ثبات، کاذب و موقت اشتغال دارند و بر همین اساس آینده شغلی شان پیش بینی ناپذیر است. به تبع این شرایط شغلی، آنها امکان هر گونه پیش بینی را در سایر عرصه های زندگی هم ندارند و به همین دلیل

کوچه های تودرتو، دیوار های دود گرفته، جوی های سرریز شده از لجن، درهای رنگ و رو رفته، خانه های تنگ و تاریک و محیط پر از سروصدا و دود فواید این دکوپاژ مشترک عمده فیلم ها و سریال ها از زندگی در حاشیه شهر است. دور بین روی دست، ریتم تند تدوین و بعضی تکنیک ها در نورپردازی و تصویربرداری هم گام های مکملی است که کمک می کند تنش، اضطراب و ناامنی به اوج برسد و بیننده کوچک ترین نقطه سفید در فضا نبیند. شخصیت پردازی ها البته از دکوپاژ هم کلیشه ای تر است. آدم ها در حاشیه شهر اگر بزرگ باشند، یا معتادند یا مواد فروش و در هر دو صورت نیز فقیرند و کثافت از سر روی شان می بارد. اگر بچه باشند هم روند اتفاقات به گونه ای است که آنها را لاجرم به سمت جرم و اعتیاد هل می دهد. تصویری که پس از دیدن فیلم هایی همچون «ابدویک روز»، «متری شیش و نیم»، «مغزهای کوچک زنگ زده» و... از شرایط زندگی در مناطق حاشیه ای و جنوب شهر به دست آورده اید را اگر یک بار مرور کنید، احتمالات تصدیق می کنید که این قضاوت اغراق شده نیست. واقعیت این است تصویر سینمایی از حاشیه نشینی در کشور ما، فوق العاده کاریکاتوری و غیر واقعی است. البته در نیت خیر سازندگان اکثر این فیلم ها تردیدی نیست اما شور و یختانه در اثر همین انگار سازی، تصور غالب از حاشیه نشینی هم- چه

